

نظام پژوهشی پیش‌رو (زادگی یا پروردگی)

دکتر حسین خنیفر*

چکیده

طرح نظام پژوهشی پیش‌رو در جوامع جهان، به ویژه پس از سال ۱۹۷۰، رهیافتی جدید در علوم انسانی و علوم پایه تلقی گردید. یکی از معیارهای سنجش کشورها درباره میزان پیشرفت یا ایستایی، داشتن نظام‌های تحقیقاتی بالنده و نظریات نوین و محصولات علمی است. مقوله زایش یا پردازش، از قدمت تاریخی پیش از میلاد مسیح برخوردار است؛ ولیکن در دهه‌های اخیر، شتاب بیش‌تری یافته است که از علل اساسی آن، ابراز وجود کشورها و ترقی‌خواهی ملت‌ها و پیدایش جامعه اطلاعاتی است. در این مقاله سعی شده، با محوریت مقوله زادگی و پروردگی، به بستر اصلی این مسأله، یعنی وجود یک نظام پژوهشی پیش‌رو و غیر مقلد صرف پرداخته شود و ضرورت تحول و طراحی چنین نظامی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. در ضمن، در این مقاله به عوامل مختلف فرهنگی، زیربنایی، ساختاری و زمینه‌ای لازم نیز اشاره گردیده که با رویکرد بومی‌نگر، تمهیدات و راه‌کارهای عملی برای تسری نظام پاینده و بالنده مطرح شده است. تمهیدات اساسی و خاستگاه‌های سه‌گانه فکری ناظر بر این مدعا نیز عرضه شده و در نهایت، راه‌کارهایی نیز پس از استنتاج از بحث ارایه گردیده است.

واژه‌های کلیدی: نظام پژوهشی، زادگی یا پروردگی، نوآوری، منابع انسانی، استقلال، شیوه اکتشافی، بازکاوی.

مقدمه

یکی از عوامل مهم و تعیین کننده در پیشرفت^۱ و توسعه^۲ رقابت علمی و کسب جایگاه پایسته و شایسته یک ملت، در قلمروهای مکانی و علمی یک جامعه پژوهشی و بهره‌وری از نظام‌های بالنده و پاینده و ژرف‌نگر تحقیقاتی است که اساساً نیازمند بستر و فضای مناسب، حمایت لازم، تمهیدات اساسی و حلقه اندیشگان که همانا منابع انسانی فاخر، فاضل و فرهیخته است، و مهم‌ترین عامل در این قلمرو، استفاده بهینه و کارآمد از این منابع و رساندن آنها به مرحله تولیدات نظری و کاربردی (زاینده‌گی علمی) و کنکاش مداوم با نظریات و مدل‌ها و روش‌های پیش‌آمد و پی‌آمد (پروردگی علمی) است. امروزه عقیده بر این است که برای به حداکثر رساندن فرصت‌های آموزشی و پژوهشی، و ورود به عرصه‌های رقابتی و فرهیختگی علمی، سیاست‌گذاری‌ها و تمهیدات نظام‌های پژوهشی پیش‌رو و استاندارد، امری ضروری است (کاستیل‌لو، ۲۰۰۲، ص ۸). در این مقاله سعی شده است تا ضمن پرداختن به محور اصلی بحث، یعنی تبیین قلمرو و حدود برخی مؤلفه‌های نظام پژوهشی پیش‌رو که بسترساز پیشرفت و توسعه نظریات علمی و موضوعات پژوهشی و فرصت‌های نظریه‌پردازی است، به ابعادی همچون خلاقیت^۳، تحول^۴ و نوآوری^۵ در نظام پژوهشی پرداخته و تمهیدات اساسی و خاستگاه‌های فکری در این زمینه مورد بررسی قرار گیرد.

بیان مسأله

اندیشه‌های بدیع در هر حوزه علمی از حالت دوگانه زادگی و پروردگی^۶ پیروی می‌کند، یعنی گاه زاده شدن اندیشه و ایده، ققنوس گونه است و گاه حالتی پروردگی دارد، بدین معنا که اندیشه‌ای بدیع از بستر اندیشه‌ها، روش‌ها و الگوهای پیشین، سر بر آورده و رشد می‌کند و این رشد و پروردگی به یک نگاه نوین عصری منجر می‌شود که البته لازمه هر دو نقد و بررسی است، زیرا اندیشه‌های بزرگ در حوزه‌های علمی گوناگون تا زمانی که در معرض نقد و ارزیابی قرار نگیرند، منزلت علمی نخواهند داشت (بورگ، ۱۹۸۸، ص ۶۱).

1. achievement
3. creativity
5. innovation

2. development
4. evolution
6. bron and mode

نخستین شرط عرضه اندیشه، مکتوب کردن و در دسترس قرار دادن اندیشه و هم‌چنین اجازه نقد و بررسی اصولی آن است (کوک و هاگز، ۱۹۸۹، ص ۲۴).

این دسترس‌پذیری از هنگام شکل‌گیری اندیشه تا علمی شدن آن، مراحل را می‌پیماید که گرچه در همه موارد صادق نیست، ولیکن فرایند آرمانی آن به حساب می‌آید. هر دوی این حالت‌ها در یک نظام پژوهشی پیش‌رو اتفاق می‌افتند. اندیشه نو که از قاعده (زادگی) پیروی می‌کند، معمولاً نخست، در حلقه‌ای کوچک از متخصصان که به (حلقه اندیشگان) معروف است، به بحث گذارده شده، سپس در سمینار یا کرسی نظری عرضه می‌شود و از سوی مخاطبان خبره مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد و حاصل کار به صورت پروژه تحقیقاتی یا یک مقاله ارائه می‌گردد (مریام، ۲۰۰۱، ص ۹۰).

شرط اساسی در دو مرحله زادگی و پروردگی، بسترسازی علمی مناسب است، وگرنه هر ایده و اندیشه‌ای هر چند دارای وسعت باشد، در سطح باقی می‌ماند و به ژرفا نمی‌رسد (قورچیان، ۱۳۸۵، ص ۳).

تئودور شولتز^۱ در کتاب گذر از جامعه سنتی^۲ تصریح می‌کند: «انسانی که همچون نیاکان خود زراعت می‌کند، هرچند خودش سخت‌کوش و زمینش حاصل‌خیز باشد، نخواهد توانست مواد غذایی زیادی تولید کند، اما زارعی که از معلومات علمی برخوردار بوده و به رموز استفاده از آن در مورد زمین، گیاه، دام و... دسترسی داشته باشد، می‌تواند حتی در اراضی نامرغوب هم مقدار زیادی مواد غذایی تولید نماید» (شولتز، ۱۳۶۷، ص ۱). پژوهش خلاق در عرصه علم و فرهنگ، یکی از عناصر اصلی و عمده فعالیت‌های علمی و فرهنگی است که می‌تواند عامل مؤثری در روند توسعه یافتگی جامعه قلمداد گردد؛ زیرا که اساس پژوهش و تحقیق روشمند و پیش‌رو، شناسایی خلأها، دسترسی به اطلاعات تازه و بهره‌گیری از قدرت‌های موجود و احتمالی ایجاد شده در فرایند عمل اجتماعی و یا فهم چگونگی عمل می‌باشد؛ به عبارت دیگر، جامعه‌ای که تصمیم‌گیری برای تحوّل و تغییر فرایند تکرار و روی‌آوری به آفرینش یا پروردگی فاخر را به عنوان استراتژی توسعه همه‌جانبه دانسته و یا این‌که مراحل از آن را طی نموده است، برای پیمودن درست و سنجیده بقیه راه، به محاسبات نحوه عمل در سطوح متعدد

1. Shoultez

2. traditional society

اجتماعی و فرهنگی نیاز دارد، در اینجا است که پژوهش علمی با موضوعات اصیل و نوین ضرورت یافته و سرمایه‌گذاری در آن، در اولویت نخست قرار می‌گیرد.

از مجموعه پژوهش‌های موجود در جامعه، پژوهش‌های زیربنایی ناظر بر محورهای تازه و آینده‌گرا می‌تواند نخستین و قوی‌ترین پژوهش‌ها باشد؛ زیرا با قبول تقدم پژوهش بر هر توسعه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است که این فرض مطرح می‌شود. در نهایت با توجه به نگرش سیستمی^۱ که ارتباط میان پژوهش‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را ضروری می‌داند، امکان نظری و عملی توسعه توأمان، اصل قرار گرفته و انتقال یافته‌ها و تجربیات، به همه عرصه‌ها و بخش‌های جامعه ضروری گردیده و حرکت جامعه و عناصر آن معنی‌دار می‌شود. برای ما در این مقطع این پرسش مطرح می‌شود که آیا پژوهش و تحقیق فاخر و پیش‌رو که از اصل زایش متعالی برخوردار است، یکی از مؤلفه‌های موجود در سازمان‌دهی به افکار دانشگاهی و حوزوی است و یا این که معتقدیم ایران جامعه‌ای دست‌خوش تلاطم‌های اقتصادی و نیازهای فردی و جمعی فراوان است و طبق شواهدی که نشان می‌دهد مشکلات اقتصادی، تعیین‌کننده و اساسی در سازندگی افکار عمومی هستند و پژوهش‌ها متأسفانه اغلب صرفاً سطحی و قشری عرضه می‌شوند و یا غلتیدن به ورطه کلی‌گویی و مبهم‌نگاری است که خود مقوله‌ای پیچیده است. در این مقاله سعی و اهتمام ویژه و خاص به بررسی ابعاد و مؤلفه‌های نظام پژوهشی پیش‌رو شده است که تمهیدکننده اصلی زادگی و پروردگی در امور مبنایی، علمی، موضوعی و محوری پژوهش است.

هزاره پژوهش و زاینده‌گی

براساس حیات جدید در هزاره سوم و قوت یافتن امر پژوهش در ابعاد مختلف و مقوله جهش کشورهای در حال رشد، به ویژه جامعه ایران، بی‌تردید کارآمدی نظام‌های پژوهش حوزوی و دانشگاهی، پیش‌رو در اولویت قرار می‌گیرد. در چنین جامعه‌ای برای رسیدن به اهداف مورد نظر در راستای حل مسائل و خروج از تنگناها، طبیعی است که انسان نوین، همیشه خرد و تدبیر خود را به کار اندازد و ارائه طریق نماید.

اگر بپذیریم که انسان در عالی‌ترین جلوه خود بر اندیشیدن آفرینشی^۲، تأمل و تحلیل،

1. systematic attitude

2. creative thinking

تکیه دارد، در این صورت در جامعه متحول امروز، باید پیوسته با ابزار علم کاربردی و نظری متقن و دانش پیش‌رو همراه باشد. اگر حل مشکلات و معضلات جامعه را از راه تحقیقات علمی جستجو کنیم تا به تدریج ذهنیت علمی در جامعه شکل گیرد و شکوفا و خلاق گردد، باید در اندیشه و تعمیق گسترش همه‌جانبه فرهنگ علمی - تحقیقاتی، به هر طریق و وسیله ممکن و مشروع بود، و شرایط و تمهیداتی را فراهم ساخت تا در درازمدت، حس کنجکاو علمی و نوآوری، که سخت نیازمند آن هستیم، ایجاد شود.

در جهان کنونی، ما از یک طرف به افراد فرهیخته، شکیبیا و متفکر و از طرفی به نظام‌های پژوهشی پیش‌رو و خلاق نیاز داریم، چرا که کمبود آنها کاملاً احساس می‌شود. در شرایط کنونی باید بستر و زمینه مطلوب فرهنگی برای پرورش استعدادها و خلاقیت‌ها فراهم گردد و این میسر نمی‌شود، مگر با آزاداندیشی و شکیبایی؛ برای تحقق جامعه علمی نوین، باید افکار و اندیشه‌های گوناگون به تبادل افکار^۱ و تضارب آراء پردازد و برآیند حاصل از آنها به عنوان بهترین قول برگزیده شود؛ به دیگر سخن، قابلیت تحمل عقاید و اندیشه‌های دیگران، گسترش شکیبایی و بردباری و تساهل و پرهیز از هر نوع یک‌سونگری، از مهم‌ترین واجبات و ضروریات است و این باید جزء لاینفک و ستون بنیادی نظام آموزش و پژوهش کشور باشد. باید جامعه باز را در برابر امواج پی‌درپی کنترل‌ناپذیر ناشی از برخوردهای فرهنگی و مکتبی و تحولات و تغییرهای علمی و تکنولوژی جهان رقم زد و به کمک تحقیقات علمی انعطاف لازم با حفظ اصالت‌ها را ایجاد کرد.

در این بین عاقلانه‌ترین و مطمئن‌ترین راه آن است که خود را رقابت‌پذیر و نوآور، و با تکیه بر مبانی فرهنگی و اعتقادی، خویشتن را مقتدر و توانا سازیم و در بستن مرزهای فرهنگی خود، آن هم در دنیایی که تار و پود آن بر مبادله اطلاعات و گسترش فرهنگ‌های اطلاعاتی است، تأمل کنیم و راه‌کار جدیدی در پیش گیریم؛ زیرا این کار نیرو و توان ما را هدر می‌دهد و زمان تلاش، سازندگی و پویا را از ما می‌گیرد.

خلاقیت و نوآوری، لازمه پیش‌روی

خلاقیت به عنوان یک نیاز عالی بشری در تمام ابعاد زندگی، به ویژه در مقوله پژوهش

1. elevation

مطرح است. خلاقیت عبارت است از: تحولات دامنه‌دار و جهشی در فکر و اندیشه انسان، و بهره‌گیری از توانایی ترکیب عوامل قبلی برای خلق محصولی جدید (شین، ۱۹۹۶، ص ۸۰)، و این مهم در بستری از اطلاعات و فرصت‌ها توان زایش و پردازش پیدا می‌کند. از طرفی، عامل مشترک در این مقوله این است که خلاقیت، همیشه در پرداختن به عوامل جدید یا انگیزه‌مند که عامل خلاقیت در آنها موجود بوده و به عنوان مجموع میراث فرهنگی عمل می‌کند، اتفاق می‌افتد، ولی آنچه تازه است، ترکیب این عوامل در الگوی جدید است که مقوله زاینده‌گی و پروردگی را رقم می‌زند. تلاش‌های خلاقانه، وسیله‌ای برای نوآوری است، خلاقیت بیش‌تر یک فعالیت فکری و ذهنی است و نوآوری بیش‌تر، جنبه عملی دارد و در حقیقت، محصول نهایی عمل خلاقیت است. نوآوری می‌تواند در خط‌مشی‌ها، فرایندها و فنون دیگر نیز مانند فعالیت‌ها و رفتارهای افراد رخ دهد.

وات من می‌نویسد: اگر بخواهید نوآور باشید، باید تا حدی باز برخورد کنید، سعی زیاد و ریسک کنید. اگر افراد شکست نخورند، احتمالاً چیزی هم یاد نخواهند گرفت (میلرود و اتر، ۲۰۰۱، ص ۳۲). طبق نظر گیلفورد^۱ «خلاقیت یعنی حل یک مشکل یا سلسله‌ای از مسایل کوچک و بزرگ» و به نظر راجرز «خلاقیت یعنی اظهار وجود و استقلال‌طلبی و حفظ شخصیت انسان». تحقیق در مورد خلاقیت و عناصر تشکیل‌دهنده آن، بیش از یک قرن پیش به وسیله دانشمندان علوم اجتماعی شروع شده، ولی مقدمات پژوهش، بیش‌تر در سال ۱۹۵۰ به وسیله گیلفورد ایجاد گردید. گیلفورد خلاقیت را تفکری واگرا (دست‌یافتن به رهیافت‌های جدید برای حل مسایل) در برابر تفکری هم‌گرا (دست‌یافتن به پاسخ صحیح) می‌دانست (بولمر، ۱۹۹۳، ص ۱۱۲).

خلاقیت از دیدگاه روان‌شناسی، پدیدار شدن تلفیقی از اندیشه‌های نو، به وسیله شهودگرایی از منابع ناشناخته تعریف شده است. پایالیا^۲ (۱۹۸۸) خلاقیت را توانایی دیدن چیزها در یک نظر نو و غیرمعمولی، دیدن مشکلاتی که هیچ‌کس وجود آنها را تشخیص نمی‌دهد، و سپس ارایه رهیافت‌های جدید، غیرمعمولی و اثربخش می‌داند که بسیار به تعریف ما از پژوهش زایشی و پروردگی نزدیک است. لوتانز^۳ (۱۹۹۲) استاد رفتار سازمانی، خلاقیت را تلفیق اندیشه‌ها و رهیافت‌های افراد یا گروه‌ها در یک روش

1. Gifford
2. payalia
3. Loutana

جدید تعریف کرده است. بازرمن^۱ (۱۹۸۶) خلاقیت را فرایند شناختی از به وجود آمدن یک ایده، مفهوم، کالا یا کشفی بدیع می‌داند (رشیدی، ۱۳۷۹، ص ۱۱).

سقراط توانایی یک شاعر را نه هنر، بلکه الهام می‌داند (قورچیان، ۱۳۷۹، ص ۱۸). جان دیویس در توصیف تفاوت و تشابه کار دانشمند و هنرمند می‌نویسد: در هر گروه، تفکری عاطفی و احساساتی وجود دارد که خمیرمایه آنها دربرگیرنده ایده‌ها یا معانی قابل تحسین است که هر دوی آنها بر الهام، یعنی آمیختگی نهایی ایده در ذهن نیمه‌آگاه، متکی هستند. توماس کارلایل معتقد است که بخشی از فعالیت‌های ذهنی، دربرگیرنده تفکر عقلایی^۲ و بخش دیگر شامل فعالیت‌های ذهنی ناخودآگاه است که به‌طور مبهم درک شده یا بر آن کنترل نداریم، وی می‌گوید: ناحیه تعمق^۳ در زیر ناحیه بحث و استدلال آگاهانه قرار داشته و در عمق ساکت و اسرارآمیز این ناحیه، نیروی حیاتی نهفته است، اگر چیزی بخواهد خلق شود، باید در این ناحیه قرار داشته باشد (همان، ص ۱۲). بروستر گیزلین^۴ می‌گوید: فرایند خلق و ابداع، همان فرایند تغییر و تکامل است که در ذهن ما رخ می‌دهد. واقعاً خلاقیت چیست و ویژگی‌های آن کدام است؟ آیا هر شیء یا روش جدیدی که به وسیله فردی ابداع می‌شود، ثمره نوعی خلاقیت است؟ مگر نه این است که هر اختراعی، نتیجه تکمیل یا ترکیب نتایج اکتشافات یافته‌های علمی یا فنی قبل از خود است؟ پس تمام اجزا و عناصر آن نو و جدید نیست و قبلاً در جای دیگر مطرح شده و یا به‌کار رفته است، پس اطلاق نام ابداع و نوآوری به آن خطا نیست؟ اگر اندیشه‌ای نو و بدیع به ذهن انسان خطور کند، ولی محلی از بروز و ظهور نداشته باشد، آیا می‌توان آن را ابداع نامید؟ اگر هزار سال پیش مفهوم پرواز انسان در آسمان به وسیله شخصی در ذهن مجسم شده باشد، باید وی را فردی عادی، خیال‌پرداز و یا مبدع نامید؟ اگر کسی وسیله نو و جدیدی ساخت، ولی این وسیله هیچ‌گونه استفاده‌ای نداشته یا برای بشر غیرمفید باشد، باز هم می‌توان وی را خلاق نامید (رشیدی، ۱۳۷۹، ص ۱۲).

همان‌طوری که راسل ل. ایکاف و الزاور گاوا، اساتید مدیریت دانشگاه پنسیلوانیا

1. Bazerman
2. rational
3. meditation
4. Breuster Ghisin

اشاره می‌کنند، معنای خلاقیت نزد همه یکسان نیست. در متون علمی به بیش از صدها نوع تعریف خلاقیت برمی‌خوریم. برای مثال: تفکر مولد، تفکر واگرا، قوه ابداع، قوه تخیل، تفکر پرشاخ و برگ، جوانی و...، ولیکن مهم‌ترین بخش خلاقیت و بازآفرینی، در پژوهش و زاینده‌گی علمی مطرح است و افراد دارای این ویژگی، از رهبری درونی خودتنظیمی و فراز او بهره می‌گیرند (کامبز، ۱۹۸۲، ص ۳۱۸-۳۲۰).

به این ترتیب، نگرش‌ها از بعضی جهات متفاوت‌اند و از بعضی جهات مشابه، اما در کل نگرش‌ها را می‌توان به دو دسته اصلی «نگرش‌های خاستگاهی»^۱ و «نگرش‌های فرآیندی»^۲ تقسیم کرد.

۱. نگرش‌های خاستگاهی

در مکتب روان‌کاوی گروهی از روان‌شناسان، بیشتر به خاستگاه خلاقیت توجه کرده‌اند تا به خود آن؛ برای مثال زیگموند فروید معتقد بود که خلاقیت از تعارض درون فرد ناشی می‌شود و هنگامی پدید می‌آید که انرژی امیال ارضا نشده و ارضا نشدنی، در نیل به هدف‌های ممنوع ابتدایی، به سمت هدف‌های جامعه‌پسند تغییر جهت دهد. به نظر فروید، فرایند خلاق، شامل برونی‌کردن فرآورده‌های درونی تخیل، از راه تعامل گونه‌های ابتدایی و بالغ تفکر است. فروید دو فرایند فکری را از هم تمیز می‌دهد: فرایند اولیه فکر، ناخودآگاه، تصادفی، انگیزشی و بدون ارتباط با واقعیت است و فرایند ثانویه، منطقی، هدفمند و در ارتباط با واقعیت است. فرد خلاق کسی است که از تفکر اولیه، بدون آن‌که مقهور آن شود استفاده کند و فرایند ثانویه را برای تبدیل طرح‌های حاصل از تفکر اولیه، به طرح‌های تحقق‌پذیر، به کار گیرد.

۲. نگرش‌های فرآیندی

طرفداران تداعی‌گرایی،^۳ روان‌شناسان گشتالت،^۴ و کسانی که نگرش «اطلاعات‌پرداز» را در پیش می‌گیرند، بیش‌تر به فرایند فکر توجه دارند تا خاستگاه آن؛ البته آنها بر

1. origin
2. processing
3. associationism
4. gestalt

جنبه‌های متفاوتی از این فرایند تأکید می‌کنند، اما همه آنها خلاقیت را کیفیتی از این فرایند می‌دانند که اکتسابی است و با آموزش و تمرین ارتقا می‌یابد. تداعی‌گرایان اصولاً بر جنبه‌های «تجدید نظر» یا عادت تفکر تأکید دارند، اما روان‌شناسان گشتالت، به شیوه‌های مولد یا بدیع تفکر، درباره موقعیت مسأله‌ساز توجه می‌کنند، و کسانی که نگرش اطلاعات‌پردازی دارند، به مدل‌های اطلاعات‌پردازی برای تفکر تأکید دارند که بسیاری از این مدل‌ها برنامه‌نویسی و آزمون کامپیوتری می‌باشد (آقایی فیشانی، ۱۳۷۸، ص ۱۷-۲۳).

نظام پژوهش پیشرو

برای یک نظام پژوهشی کارآمد و پیش‌رو که بتواند در عرصه‌های مختلف رقابت کند و سطح علمی و تولیدات خود را به نمایش بگذارد، ویژگی‌هایی وجود دارد که جمع شدن این ویژگی‌ها، به حرکت سیستم به سمت تولید محصولات علمی مورد نیاز و مطابق با روز منجر می‌شود، چرا که طبق گفته دانه‌الگیری، تک‌تک مؤلفه‌های یک نظام کارآمد، بسان شعله‌های کوچک‌اند که جمع آنها شعله بزرگ را رقم می‌زنند تا به حساب آورده شوند، و این به حساب آورده شدن نیز خود تابعی از نگرش‌های ماست (مکی، ۱۹۹۵، ص ۹). هولمز معتقد است، همین که یک نظام یا سیستم، به رویکرد تازه و بالنده‌ای متصل شد، دیگر هرگز به مقیاس‌های گذشته و کوچک‌ناکارآمد خود بازمی‌گردد (استن هوس، ۱۹۹۰، ص ۵۴ - ۵۹).

شاید رقم زدن یک نظام کارآمد، کار سختی باشد، ولی به گفته نیچه، انسان چرایی است که با هر چگونه‌ای می‌تواند بسازد و اگر بخواهد می‌تواند هر محالی را تسلیم کند (طوسی، ۱۳۷۹، ص ۴۰). کارل سند برگ نیز می‌نویسد: هر واقعه‌ای ابتدا به صورت رؤیاست، و آن‌گاه اتفاق می‌افتد، پس بروید و تحولات و یا بازآفرینی را به عمل درآورید؛ زیرا انسان برای رقم زدن یک سیستم کارآمد و نظام نوین، زاینده شرایط نیست، بلکه خالق شرایط است (مقیمی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۹).

بنابراین، نباید فراموش کنیم که اندیشه زمان ما از واقعیات سرچشمه می‌گیرد و جریان‌یابی است که عینیت را در ذهن انسان اندیشمند منعکس می‌سازد؛ از این‌رو، ذهنیت جدا از عینیت، در دایره اندیشه زمان ما نمی‌گنجد و کسانی که از راه مراجعه به

ذهنیت‌های پیش‌ساخته و کوچک خود، پاسخ مسایل بزرگ عصر ما را جستجو می‌کنند و سعی بر آن دارند که به هر نحوی، تصورات خود را توجیه نموده، ارتباط عاطفی را جایگزین منطق علمی نمایند، جز مقابله بی‌ثمر با واقعیت راهی ندارند (بیانی، ۱۳۷۸، ص ۱۱). بدین جهت، یک نظام کارآمد پژوهش، به درجاتی از آمادگی برای تعدادی از اهدافی که طراحی گردیده، نیاز دارد (بُدن و بیکلن، ۱۹۹۰، ص ۱۷۰).

تاملی ولو اندک در مشخصه‌های مورد اشاره اندیشه زمان ما، پیچیدگی‌های روزافزون آن را می‌نمایاند و ضرورت پرداختن به پژوهش را به عنوان ابزار تفکر مطرح می‌سازد. بدون استفاده از ابزار تحقیق کارآمد و به‌کارگیری نظام پژوهشی بهینه، نمی‌توان در این عرصه وارد شد و تنها از راه دست‌یابی به روش‌های جدید تحقیق و بینش علمی با ملاحظات دینی و بومی است که می‌توانیم در درک پیچیدگی‌های مربوط به اندیشه‌های زمان خود، موفق گردیم.

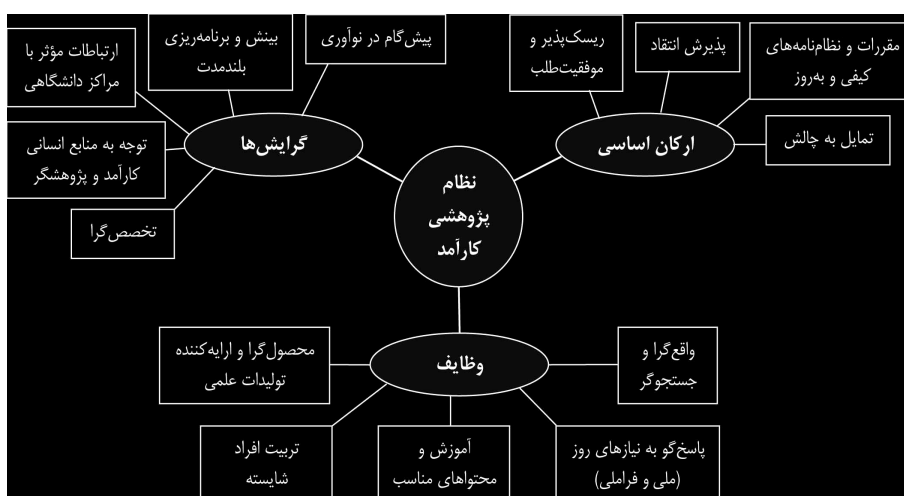
ضرورت تحول و طراحی جدید نظام پژوهشی پیش‌رو

نباید فراموش کرد که ابداع و پیگیری نظام روشمند تحقیق، تنها در ارتباط با شدت وحدت نوع و تنوع نیازها تعریف می‌شود (وارن و دنیس، ۱۹۸۰، ص ۲۲). بهره‌گیری از ابزارهای توزیع اطلاعات، در عین پاسخ‌گویی به نیاز مربوط به سرعت اندیشه، حرکت ذهنی سریع و شتاب روزافزون انسان معاصر را در پی داشته و تحولات فکری را افزون‌تر کرده و در نتیجه، به اندیشه زمان ما، هویت عصیان‌گری بخشیده است. از این‌رو، وجوب اصالت بخشی به دو قاعده زادگی یا پروردگی، در خصوص موضوعات نو، در بستر نظام کارآمد پژوهشی صدچندان شده و ضرورت تام دارد تا از مرحله میراث‌خواری و شیوه تبدیل متون به متون و محتواهای غیر مبتکرانه و غیر خلاقانه پرهیز نمود.

اندیشه انسان در آستانه قرن جدید، از یک سو به سبب بنیان علمی و تجربه‌های پیشین، تفکرات گذشته را در استخدام خود دارد و از سوی دیگر، در قالب‌های قدیمی و افکار منجمد گذشته نمی‌گنجد و ایجاد تحول و تغییر در افکار کهنه را به عنوان یک ضرورت مطرح نموده است. با عنایت به این مبادی و مفاهیم، نظامی لازم است که با حفظ میراث کهن و ظهور بومی‌گرایی، جو متناسب با تحولات زمانه را رقم بزند. این

جو باید به گونه‌ای باشد که افراد از آن تأثیر بپذیرند و به سمت اهداف مطلوب رهنمون شوند (کوهن و مانی‌ون، ۲۰۰۲، ص ۵۳).

به‌طور کلی، می‌توان گفت: ضرورت تحول در ساختار نظام موجود، فواصل موجود با کیفیت فعلی را در دیگر سیستم‌های مشابه کم‌تر می‌کند و نیروهای انسانی دارای توان لازم را هدایت می‌کند و آنها را به صحنه می‌آورد. در تکمیل این مطلع، مدل ویژگی‌های یک نظام پژوهشی کارآمد در ابعاد و مؤلفه‌های ذیل پیشنهاد می‌گردد.



مدل (۱): ویژگی‌های نظام پژوهشی پیشرو

در جریان مطالعه نظام‌های مختلف پژوهشی، به ارزیابی تفکراتی پرداخته می‌شود که این نظام‌ها را شکل داده‌اند، تردیدی نیست که اندیشه بشر، پدیده تاریخی و تکاملی است و با وجود تفاوت‌های گسترده و انکارناپذیر در قدرت فکری هر یک از انسان‌ها، این امکان وجود دارد که برای اندیشه هر یک از نظام‌ها، ویژگی‌های مشترکی قایل شویم.

شاید بتوان گفت که اندیشه یا ساختار و سطح تفکر، به زمان تعلق دارد و تفاوت‌های موجود در ساختارهای مختلف و نظام‌های متعدد و متنوع را می‌توان به رسالت‌های مختلف آنها مربوط دانست (مهرمحمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۰).

اگرچه انسان توان پژوهش و حرکت به سمت روشن‌گری زوایای پنهان و پاسخ به پرسش‌ها و معضلات علمی را قرن‌ها تجربه کرده است؛ با این وجود، نباید فراموش

کرد که اندیشه‌های انسانی براساس متغیرهایی، مانند: شرایط زمانی، واقعیت‌های موجود، سطح تکامل فرهنگ، امکانات و باورمندی به پژوهش، ارزش‌های مورد پذیرش، الگوهای فکری، سطح تکامل علمی و فنی جوامع، شرایط اقلیمی، مسایل اقتصادی و اجتماعی، نیازهای روز و...، که به نوبه خود به زمان تعلق دارند، شکل می‌گیرند. این چنین است که در زمان معینی، حتی افرادی که با یکدیگر آشنایی ندارند، جهت فکری هم‌سانی پیدا می‌کنند و به مسایل مشابه می‌اندیشند.

اگر تعلق اندیشه به زمان را بپذیریم و برای اندیشه‌های هر بُرهه زمانی، ویژگی‌های مشترکی قایل شویم، در این صورت می‌توانیم برای اندیشه‌های دوره‌های مختلف تاریخی، نمودارهای جداگانه‌ای ترسیم و نظام‌های مختلفی قایل شویم، و با نمودارهای مخصوص، اندیشه هر دوره را با ویژگی‌هایی از قبیل میزان قدرت علمی، سرعت تحولات اندیشه‌ای، وسعت دید و نظر، ابعاد نظام پژوهشی، پیچیدگی، آینده‌نگری، تجربه‌گرایی، واقع‌گرایی، هم‌چنین زاویه نگاه، گرایش، زمینه و... نمایش دهیم.

از سوی دیگر، پیشرفت‌های جدید، بر ابعاد اندیشه انسان افزوده و آن را پیچیده‌تر کرده است و مطالعات میان‌رشته‌ای، پژوهش را از وضعیت تجریدی که در دهه‌های قبل به آن دچار بوده، رهایی بخشیده است. اینک تعمیق‌ها نه تنها به تجربه و محدودیت اندیشه انسان نمی‌انجامد، بلکه بر جامعیت آن می‌افزاید و از همین جاست که توان اندیشه انسان در آغاز هزاره سوم، با وسعت فکری او گره می‌خورد (قورچیان، ۱۳۷۹، ص ۵۷).

دنیای امروز در طراحی نظام‌های پژوهشی کارآمد، مسیر پیشرفت را پیموده است. در قرن پانزدهم میلادی فرانسیس بیکن^۱ ضمن پرهیز از استنتاجات قیاسی، روش استقرایی در پژوهش را پیشنهاد کرد و موجب شد تا از همان زمان در کشورهای اروپایی، روش‌های مطالعاتی به سوی پژوهش‌گرایی ژرف‌نگر جهت پیدا کند، و محققان پیش‌گام و خلاق مورد حمایت قرار گیرند، به طوری که می‌توان انقلاب علمی و صنعتی در آن قاره را از نتایج رویکرد به روش‌های پژوهشی عمیق در مطالعات پدیده‌ها دانست. امروزه نیز کشورهای صنعتی، برای پژوهش‌های علمی و صنعتی

1. Fransis Baken

اهمیت فراوانی قایل شده‌اند و بودجه‌های قابل توجهی صرف پژوهش‌های علمی و ترغیب پژوهشگران به انجام این قبیل پژوهش‌ها می‌شود. (کلین، ۲۰۰۳، ص ۲۰۱). کافی است، یادآور شویم که در دهه ۱۹۹۰، اعتبارهای پژوهشی دانشگاه‌های آمریکا چهاربرابر شد و در سال ۱۹۹۱، میزان اعتبارهای پژوهش‌هایی که در دانشگاه‌های آن کشور، با هزینه مؤسسات تولیدی و صنعتی انجام شد، به ۱/۲ میلیارد دلار رسید و این رقم به‌طور صعودی بالا رفته است (اطلاعات، ۱۳۷۷، ص ۷).

از طرف دیگر، نظام آموزش عالی در این کشورها، اهمیت فراوانی به تربیت پژوهشگران می‌دهند. به‌طور کلی، می‌توان اذعان داشت که نظام آموزشی فعلی دنیا، حتی در حوزه‌های دینی و اخلاق و فلسفه و معرفتی و تاریخ ادیان و جامعه‌شناسی ارزش‌ها و باورهای مذهبی بر پژوهش روشمند استوار است.

تمهیدات اساسی

برای رقم زدن نظام پژوهشی پیش‌رو و خلاق تمهیداتی اساسی لازم است که به عقیده نگارنده باید مورد توجه قرار گیرند:

۱. مدیران پژوهشی باید درصدد بررسی جامع وضعیت گذشته و وضع موجود در

قالب یک پروژه جامع تحقیقاتی در چهار محور زیر برآیند:

۱-۱. بررسی اسناد، مدارک، نظام‌نامه‌ها و محتواهای موجود و تحلیل آنها؛

۲-۱. مطالعه نقاط ضعف و قوت (درون سیستم) و فرصت‌ها و تهدیدها

(برون سیستم)؛

۳-۱. استخراج مؤلفه‌های نظام پژوهشی گذشته و موجود و ارایه نظام مطلوب؛

۴-۱. اجرای نظام مطلوب.

۲. در پایان بررسی وضع گذشته و وضع موجود، طراحی وضع و نظام مطلوب

صورت می‌گیرد و فاصله میان وضع گذشته و موجود نسبت به وضع مطلوب،

به عنوان نیاز مطرح می‌شود، حال این نیاز تعابیر مختلفی دارد، از جمله:

۱-۲. نیاز به تحول و نوآوری در نظام پژوهشی؛

۲-۲. نیاز به بازآفرینی و مهندسی مجدد اصلاحات نظام پژوهشی؛

۳-۲. نیاز به تدوین و ایجاد مجدد نظام پژوهشی.

۳. تسری دادن پژوهش در بدنه آموزش و اهمیت قائل شدن برای آن، که شاید کار اصلی نظام پژوهش کارآمد در همین بخش باشد که چگونه می‌توانیم نظام آموزشی پژوهش‌مدار و پژوهش‌محور را جایگزین روش موجود کنیم؛ چرا که از ضرورت‌های یک نظام پژوهشی کارآمد، طراحی آموزش پژوهشگران در قالب دروس رسمی و کارگاهی است.
۴. این مؤلفه‌ها و ابعاد به تشکیلات مدون و یا تعدیل و بازنگری در برنامه‌ها، واحدهای درسی و نظام‌نامه‌های فعلی نیاز دارند.
۵. دغدغه اصلی و مهم دیگر، به فعلیت رساندن توانمندی‌های موجود پژوهش، در قالب طراحی نظام پژوهشی کارآمد است که نکات ذیل بسیار تعیین‌کننده است:
- ۵-۱. افراد شاغل در بخش پژوهش که عهده‌دار نظام پژوهش هستند، باید پژوهشگران نقاد و خلاق باشند.
- ۵-۲. یک نظام پژوهشی کارآمد، مجهز به امکانات و ابزار پژوهشی کارآمد است، مانند: کتابخانه تخصصی پژوهشی، کارگاه‌های روش تحقیق، مجلات تخصصی پژوهشی.
- ۵-۳. نظام پژوهشی پویا با مطالعه رویه‌های موجود، کهنه‌ها را جدا و کهنه‌ها را نگهداری و به غنی‌سازی وضع موجود طبق نیاز فردا می‌پردازد.
- ۵-۴. با اندک تأملی در مدل ارکان نظام پژوهشی و از میان شش رکن یاد شده، رکن منابع انسانی باید مورد توجه ویژه قرار گیرد، چرا که:
- امروزه منابع انسانی در سازمان‌ها بالاترین درجه اهمیت را دارا هستند. در امر پژوهش نیز، یک خانه تکانی جدی در منابع انسانی لازم است، این خانه تکانی لزوماً با حذف افراد تعریف نمی‌شود، بلکه:
- گاهی با مطالعه روی افراد موجود و جایابی مجدد آنها (مهندسی مجدد منابع انسانی)؛
 - اصلاحات ساختار منابع انسانی و تزریق نیروی مکمل؛
 - تغییرات اساسی و تکمیل منابع موجود؛
 - و مهم‌تر از همه حفظ منابع انسانی با رویکرد به آموزش آنها صورت می‌گیرد.

مدیران و مدیریت پژوهش (منابع انسانی تأثیرگذار)

به طور کلی، مدیران دو گونه‌اند: عده‌ای از مدیران تمایل دارند که آینده را تغییر دهند و فکر می‌کنند که توانایی لازم برای ایجاد تغییر موفقیت‌آمیز در داخل سیستم و سازمان را دارند. دسته دیگری از مدیران در پی ثبات سازمانی هستند و با ایجاد تغییر در سازمان مخالف‌اند. مدیران دسته اول را کارآفرین^۱ و مدیران دسته دوم را مدیران ناظر^۲ قلمداد می‌کنند.

برای یک مدیر مؤثر، دارا بودن هر دو بینش ضروری است (مقیم، ۱۳۷۷، ص ۱۳۵). یک مدیر مؤثر، به ویژه در امر پژوهش، بایستی میان این دو دیدگاه در سازمان، توازن ایجاد کند. اصولاً نگرش اول و کارآفرینانه برای سازمان‌هایی است که به بلوغ رسیده‌اند. به قول استیونسون و گومپرت^۳، مدیریت خلاق و نوآور همیشه در پی یافتن پاسخ برای پرسش‌های زیر است که در بخش پژوهش، بسیار اساسی و تعیین‌کننده می‌باشد:

۱. فرصت‌های رشد و نوآوری یا تحول در کجا وجود دارند؟
۲. فرصت‌های موجود را چگونه می‌توان بهینه و سرمایه‌گذاری کرد؟
۳. چه منابعی مورد نیاز است؟
۴. از چه راهی می‌توان منابع را کنترل و قابل دسترس درآورد؟
۵. چه ساختاری بهتر است (ساختار کارآمد سازمانی و منابع انسانی)؟

خاستگاه‌های فکری

برای تحقق مدیریت پیش‌رو در امر پژوهش سه خاستگاه فکری وجود دارد (اندرو و مارس، ۱۹۸۷، ص ۷۴۹).

الف. رویکرد رهبری‌مدار: این خاستگاه به نگرش و صفات مشخص رهبری‌مداری عنایت دارد، و صفات مشخص خاصی را برای مدیران پژوهش‌مدار برمی‌شمارد. بعضی ویژگی‌های رفتاری (صفات مشخصه)، به خصوص در امر پژوهش در شکل ذیل آمده است.

1. entrepreneurship
2. supervisor manager
3. Stevenson and Gumpert



شکل (۱): صفات مشخصه مدیران با رویکرد رهبری‌مدار در امر پژوهش

ب. رویکرد محیطی: این تفکر مدیریتی، مجموعه‌ای از عوامل پیچیده محیطی را در تعیین تعداد و نوع پژوهشگران موفق دخیل می‌داند. این عوامل، شامل مؤسسات و نهادها، ارزش‌های اجتماعی، فرایندهای سیاسی و فرصت‌های علمی است که اگر در یک محیط با یکدیگر ترکیب شوند، موجب شکل‌گیری نظام پژوهشی کارآمد یا نظام‌های شایسته و بایسته می‌گردند.

ج. رویکرد ریسکی^۱ (مخاطره‌ای): جدیدترین نگاه در زمینه تفکر پیش‌رو، سازمانی است که تا اندازه‌ای پیچیده‌تر از دیگر روش‌ها است. این نگرش بیان می‌دارد که صفات مشخصه فردی و حمایت محیطی، ضروری‌اند، اما شرط کافی نیستند. براساس این نگرش، اگر افرادی که دارای انگیزه بالا هستند، در یک محیط خاص قرار بگیرند، این مسأله به تنهایی، تضمین‌کننده موفقیت آنها نخواهند بود، بلکه آنها باید در یک فرصت ریسک قرار گیرند تا به مرحله زاینده‌گی یا پروردگی فکری برسند.

1. the venture school

مقایسه‌ای از نظام‌های پژوهشی

بررسی‌ای جامعه‌شناختی در مقایسه نظام‌های پژوهشی کشورها، به تفاوت‌های زیادی در این نظام‌ها اشاره می‌کند. این بررسی پژوهش، پژوهشگران و نظام‌های پژوهشی در جوامع عقب‌مانده را با ویژگی‌هایی از قبیل بهره‌گیری کم‌تر از تکنولوژی، کمبود تولیدات علمی، نبودن برنامه‌ریزی صحیح، فقر بودجه پژوهشی، نگاه تشریفاتی به پژوهش، نبودن تعادل و توازن میان پژوهش و آموزش و بی‌ثباتی مدیران در ساختارها و نظام‌ها و تحولات وسیع و سریع در تصمیم‌گیری‌ها، تشتت در خط‌مشی‌ها و روش‌های پژوهشی و... معرفی کرده و در آثار خود از عوارض یادشده به عنوان نشانه‌ها و در عین حال، عامل‌های به وجودآورنده عقب‌ماندگی یاد می‌کند و با توجه به همین عارضه‌ها، در تبیین و توضیح محرومیت و عقب‌ماندگی ملت‌ها می‌کوشد.

کشورهای به اصطلاح «جنوب» از وجود عواملی که به آنها اشاره شد، رنج می‌برند و آثار شوم این کمبودها را می‌توان به روشنی در زندگی پررنج آنها دید، ولی حرف اصلی این است که پدیده‌های یادشده، معلول کمبود عامل دیگری می‌باشند که همانا کمبود اندیشه در کشورهای عقب‌مانده است. به عبارت دیگر، کمبودهایی که به آنها اشاره شد، در حقیقت عوارضی هستند که از کمبود اندیشه به عنوان ضایعه و مشخصه اصلی جوامع یادشده ناشی می‌شوند.

واقعیت آن است که در نظام‌های پژوهشی جنوب، هنوز اندیشه کافی تولید نمی‌شود و اندیشه‌های پراکنده هم که به وجود می‌آیند، با چرخش زندگی در ساختار جامعه، پیوند حاصل نمی‌کنند، این در حالی است که بخش چشم‌گیری از اندیشه‌هایی که در کشورهای صنعتی و در نظام‌های پژوهشی کارآمد تولید می‌شود را باید مرهون تلاش فکری پژوهش‌گران و متفکران جوامع آسیایی و آفریقایی دانست. به بیان دیگر، جوامع جنوب در عین برخورداری از پتانسیل‌های اندیشه‌ساز، از تولید اندیشه نسبت به شتاب جهانی بازمانده‌اند. تأمل در این زمینه، موجب می‌گردد که به برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پژوهشی این کشورها بیندیشیم. با مطالعه نظام‌های پژوهشی درون کشور در حوزه‌های مختلف علمی، مسأله اصلی روشن می‌شود. جوامع جنوب، علی‌رغم شور و اشتیاق و تلاشی که برای رسیدن به اندیشه دارند، از تولید آن بازمانده‌اند.

اگر افراد متفکر و پژوهشگر را به سلول‌های تفکر و جزئی از مغز جامعه تشبیه

کنیم، به این نتیجه خواهیم رسید که حجم مغز جوامع تحت سلطه، نسبت به آنچه در جوامع صنعتی وجود دارد کوچک تر نیست، ولی تحرک و فعل و انفعالها در آن کم تر است. استفاده از جوامع کوچک مغز، به آن معنی نیست که ما به برتری اندیشه ساکنان جوامع صنعتی عقیده داریم، بلکه برعکس، این باور وجود دارد که رنج موجود و شرایط نامساعد در جوامع جنوب، هوشیاری بیش تری برای ادامه حیات می طلبد و این هوشیاری به تفکر بیش تر و بهتر نیاز دارد و یکی از شاهراه های مهم مقوله پژوهش و نظام های کارآمد تحقیقاتی در همه عرصه هاست (میلز، ۱۹۹۴، ص ۱۵۲).

در عین حال، هوشیاری و قابلیت تفکر بهتر ملت های ستم دیده، به آن معنی نیست که از درصد اندک محققان در این جوامع غافل باشیم. باید در نظر داشت تعداد متفکران و اندیشمندان فعال در این جوامع نسبت به جمعیت آنها، درصد کمتری را نشان می دهد؛ برای مثال، در حالی که، در جامعه های صنعتی آمریکا نسبت به پژوهشگران به کل جمعیت، پنج هزار نفر در یک میلیون نفر گزارش شده است، این درصد در جامعه ایرانی به هشتاد و در نهایت ۱۵۰ نفر در یک میلیون نفر کاهش می یابد (بیانی، ۱۳۷۸، ص ۵۲).

تأسیس مراکز پژوهشی و فعال کردن آنها در زمینه های مختلف، به ویژه رساندن آنها به مرحله زاینده گی و پروردگی، یکی از فعالیت های نظام پژوهشی پیش رو و راه های ترویج پژوهش در جامعه تلقی می شود.

نتیجه گیری

به طور کلی، می توان خلاصه کرد که وجود عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مدیریتی و نوگرا، در توسعه تحقیقات و رقم زدن نظام پژوهشی پیش رو مؤثر است. پیش از این، زمینه مساعدی برای پیش برد برنامه های تحقیقاتی وجود نداشت و بر اثر همین شرایط، این عرصه از کمبود شدید محقق رنج می برد. با اشاره به شمار محدود و حتی معدود آثار تحقیقاتی که هر سال در این زمینه منتشر می شود، می توان میزان بالای این کمبود را یادآور شد.

باید توجه داشت، یک چنین کمبودی در شرایطی مطرح است که نظام پژوهشی کارآمد تنها با اتکاء به تحقیق و انجام کارهای تحقیقاتی می تواند راه جدید خود را پیدا

کند. از یادآوری زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، ارزش تحقیق و اشاره به کمبود آن، چه هدف‌هایی را دنبال می‌کنیم؟ در این مورد می‌توان به هدف‌های زیر اشاره کرد:

۱. توجه به عوامل بازدارنده اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تاریخی و شرایط نامساعد اجرایی در ارتباط با امر پژوهش و پژوهشگری و آگاهی از مشکلات اساسی و بنیانی، ما را قادر می‌سازد تا از برخورد ساده‌انگارانه به دور باشیم و در ارایه برنامه‌های اصلاحی خود به «خوش‌باوری» دچار نشویم و در پیگیری و طراحی نظام جامع پژوهشی، به ویژه در زمینه مدیریت دانشگاه اسلامی و پژوهش‌محور، مصمم‌تر باشیم.

۲. با در نظر گرفتن کمبود شدید محقق، این ضرورت را احساس می‌کنیم که از توان پژوهشگران موجود، استفاده سرشار به عمل آوریم و در یک چنین شرایطی، از هدر دادن پتانسیل محدود تحقیق از راه تکرار پژوهش‌ها و یا انتخاب موضوع‌های بیهوده و نامربوط به نیازهای جامعه، پرهیز داشته باشیم.

۳. یادآوری ضرورت برنامه‌هایی که با اجرای آنها، نه تنها هماهنگی لازم میان تحقیقات رشته‌های مختلف علوم دین و معارف اسلامی، به‌ویژه مدیریت دانش اسلامی امکان‌پذیر می‌شود، بلکه از آن راه می‌توانیم به پژوهش‌های تکمیلی پرداخته و ضمن تعمیق بیش‌تر در تحقیقات، توان پژوهشی را با توسل به همکاری محققان افزایش دهیم.

۴. ضمن تأکید و یادآوری، ضرورت برنامه‌های آموزش تحقیق و تربیت محقق در این جولانگاه مهم است و در همین جا، شاید بیان این نکته مناسب باشد که آموزش تحقیق، به برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری نیاز دارد و ضمن آن لازم است به نظریه‌های آموزشی و تئوری‌های علمی، اهمیت بیش‌تری داده شود؛ زیرا با بی‌توجهی به این موضوع، آموزش تحقیق به صورت روش‌های فاقد اندیشه درآمده و محتوای جستجوگرانه تحقیق در قالب‌های منجمد محصور می‌گردد. فراموش نکنیم که تحقیق نظم‌پذیر است، ولی قالب‌پذیر نیست.

۵. با وجود مشکلات بنیانی و با آن‌که زمینه اقتصادی و اجتماعی به‌طور کلی برای توسعه پژوهش و پژوهشگری هموار نیست و ما در صفحات پیشین به آنها اشاره کردیم، حوزه مدیریت و معارف دینی از پتانسیل‌هایی برخوردار است که در صورت استفاده صحیح و دقیق از آنها، می‌توان گام‌های مهمی در پیش‌برد هدف‌های تحقیقاتی

نظام دینی و معرفتی برداشت. استفاده از این امکانات، به برنامه‌ریزی‌های سنجیده نیاز دارد. در این جا به چند مورد از امکانات اشاره می‌شود:

۶. خلاقیت مدیران، طلاب و دانشجویان جوان و مسلمان که تحت تأثیر فرهنگ انقلاب، بر خویشتن‌یابی و پژوهش تأکید دارند، یک فرصت است و چنین گرایش‌هایی، موجب و مشوق تحقیق به‌شمار آمده و زمینه رشد پژوهش را فراهم می‌آورند. نمونه کارهای موجود، ما را از وجود پتانسیل خلاقیت جوانان آگاه می‌سازد.

۷. حضور تقریباً گسترده جوانان مسلمان و مدیران متعهد در دانشگاه‌های کشور و در محافل علمی، موجب شده است، شناخت بیشتری در ارتباط با پژوهش در سطح جهان کسب کنند. ترغیب این محققان علاقه‌مند و به‌کارگیری آنها در مؤسسه‌های تحقیقاتی یقیناً به نزدیکی بیشتر پژوهش‌های آینده با استانداردهای کیفی مؤثر خواهد شد.

۸. به وجود آمدن امکانات ارتباطی بیشتر با مراکز تحقیقاتی جهان، از قبیل بانک‌های اطلاعاتی و یا انتشار اخبار تحقیقات جهان که تبادل تجربه و اطلاعات پژوهشی را تسهیل می‌کند، طراحی سیاست‌های تحقیقاتی، مبتنی بر استفاده از پتانسیل‌های یادشده، نه تنها امکان جذب و پرورش نیروهای محقق را تسهیل خواهد کرد، بلکه در عین حال می‌تواند در به وجود آوردن استانداردهای پژوهش در این جولانگاه مؤثر واقع شود و گام‌های تحقیقاتی آن را با مراکزی که دارای تجربه بیشتری هستند، هم‌گام سازد، از این‌رو، بهتر است تمام مؤسسه‌های تحقیقاتی نظام پژوهشی کارآمد در حوزه مدیریت دانشگاه اسلامی، به استفاده از این سه منبع توجه داشته باشند.

طراحی، اجرا و ترویج سیاست‌های یادشده، از راه برنامه‌ریزی‌های جامع سازمان‌های پژوهشی، امکان‌پذیر است. اصولاً راه‌اندازی و فعال نمودن سازمان‌های پژوهشی، یکی از راه‌های توسعه تحقیقات در مدیریت یک دانشگاه و حوزه اسلامی به‌شمار می‌آید؛ البته به شرط آن‌که این قبیل مؤسسه‌ها از توان طراحی برنامه‌های پویا و قدرت اجرای لازم برخوردار باشند.

فهرست منابع و مآخذ

۱. آقایی فیشانی، تیمور؛ خلاقیت و نوآوری در انسانها و سازمانها، تهران: نشر ترمه، ۱۳۷۸.
۲. اطلاعات وضعیت پژوهش در جهان، تهران: مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۷.
۳. بابائی، رضا؛ پیش شرطهای پژوهش در علوم دینی، تهران: مرکز فعالیتها و پژوهشهای قرآن و عترت، سال نشر.
۴. بیانی، احمد؛ روشهای تحقیق و سنجش در علوم تربیتی و روانشناسی، تهران: انتشارات رهیافت، ۱۳۷۸.
۵. رشیدی، طاهره؛ طرحهای پژوهشی و جایگاه آن در آموزش عالی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
۶. شولتز، تئودور؛ گذر از جامعه سنتی، ترجمه سیدمحمد سیدنوری نائینی، تهران: مجله نشر فن، ۱۳۶۷.
۷. طوسی، محمدعلی؛ سیاست‌گذاری در آموزش و یادگیری، تهران: علوم تحقیقات، ۱۳۷۹.
۸. قورچیان، نادرقلی؛ نقادی بر خصوصی‌سازی آموزش عالی، تهران: علوم و تحقیقات، ۱۳۸۵.
۹. _____، برنامه‌ریزی ملی، منطقه‌ای، تهران: واحد علوم و تحقیقات ۱۳۷۹.
۱۰. مقیمی، سیدمحمد؛ سازمان مدیریت رویکردی پژوهشی، تهران: انتشارات ترمه، ۱۳۷۷.
۱۱. مهرمحمدی، محمود؛ مباحث ویژه تدوین سند ملی آموزشی، تهران: دبیرخانه سند ملی، ۱۳۸۴.
12. Andrew D. Szilagyi & Marc J. Wallace, Organizational Behavior and performance, 4th ed., Lonin: Scott, Foresman and Compay, PP.749-752, 1987.
13. Bogdon, R C. and Biklen, S.K, Qualitative Research for Education: An Introduction to Theory and Methods. Newton, Mass: Abbyn and Bacon, 1990.
14. Borg, W. R and Gall, M. D., Educational Research: An Introduction, 5th ed., London: Longman, 1989.

15. Bulmer, Martin and Warwick, Donald (Ed., s) Social Research in Developing Countries, London, UCL Press, 1993.
16. Castilo, M., Standardization of Standard Based Instruction, Journal of Educational Administration, 2002.
17. Cohen, L. & Maninon, L., Research Methods in Education 4th ed., London: Routledge, 2002.
18. Hitchcock, G. & Hughes, D., Research and the Teacher, London: Routledge, 1989.
19. Klein, C., A Preliminary Study of Clinical Process in Relation to Outcome in Psychodynamic, American Psychiatric Press.
20. McCombs, B. L., The Role of the Self-System in Self-Regulated Learning, Contemn., Edu. Psychology, Vol.11, 2003.
21. Merriam, S. B., Case Study Research in Education: A Qualitative Approach. San Francisco: Jesses-Bass Pub., 10th ed., 2001.
22. Miles, M. B. and Ltuber Man, A. M., Qualitative Data Analysis: A sourcebook of New Methods., London: Sage, 1994.
23. Milrod, B. & Other, A Pilot Open toil of Brief Psychodynamic Psychotherapy for Panic Disorder, Disorder, Journal of Psychotherapy Practice Research, American Journal of Psychiatry, 2001.
24. Shin, H. Edgar, Organizational Psychology, Third ed., NY: Prentice Hall, 1999.
25. Stannous, L., Case Study Methods, in Keeves, J. P. (ed.), Educational Research, Methodology and Management: An International Handbook, London: Bergman, 1990.
26. Warren, B. Brown & Danes, J. Moberg, Organization Theory and Management, Toronto: John wily & Sons, P.418, 1989.